

طیب عشق

عرصه‌ی حیات‌السان از منظر عارفان

مهدی طیب

طیب، مهدی، ۱۳۳۱ -

طیب عشق: عرصه‌ی حیات انسان از منظر عارفان / مهدی طیب.
تهران: سفینه، ۱۳۹۲.

۲۶۴ ص: ۱۴/۵، ۲۱/۵ س ۳

ISBN: 978-600-5001-09-9

فهرست‌نویسی بر اثر اطلاعات فیبا.

عرصه‌ی حیات انسان از منظر عارفان - زندگی معنوی - خدا و انسان (اسلام)

۲۹۷/۲۱۴

BP۳۸ / ۰۸ ۶۹ ۶۹ ۱۳۹۲

۳۶۷۳۴۸۳

کتابخانه ملی ایران



نشر سفینه

نشانی: تهران، پل سیدخندان، ابتدای رسالت، خیابان شهید کابلی، کوچه شهید آگاهی، شماره ۲۷
کد پستی: ۱۳۳۱۷۶۷۵۱۱ تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۴۶۵۴۱۶ صندوق پستی: ۱۴۱۸۵/۶۱۶، واحد نشر
تلفن مرکز پخش: ۰۲۱-۶۶۵۶۴۹۸۴ تلفن همراه مرکز پخش: ۰۲۱-۳۳۲۸۲۶

طیب عشق

مهدی طیب

● چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۲ ● شمارگان (تیراژ): ۲۰۰ نسخه ● چاپ: شریف ● صحافی: شریف

شابک: ۹-۹-۵۰۰۱-۶۰۰-۹۷۸-978-600-5001-09-9 Iran Printed in Islamic Republic of

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان © All right reserved همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست اجمالی

مقدمه.....	۹
پیشگفتار.....	۱۳
گفتار اول: حادثه آفرینی جز خدا نیست.....	۱۹
گفتار دوم: خیر بودن حوادث و شرایط زندگی.....	۷۹
گفتار سوم: دعا و خیر بودن هر آنچه هست.....	۱۱۳
گفتار چهارم: معنای خیر بودن حوادث.....	۱۳۹
گفتار پنجم: تسلیم در برابر مقدرات و مقررات الهی.....	۱۵۹
گفتار ششم: عکس‌العمل‌های انسان در برابر حوادث زندگی.....	۱۷۷
گفتار هفتم: زندگی دنیا بازی است.....	۲۰۳
گفتار هشتم: ارزیابی عکس‌العمل‌های انسان در برابر حوادث زندگی.....	۲۱۷
پیوست‌ها.....	۲۴۳

مقدمه

آنچه در قالب کتاب طیب عشق در دست دارید، متن پیاده‌شده و ویراسته‌ی فایل‌های صوتی مباحثی است که طی بیش از سه دهه^۱ در کلاس‌های معارف و اندیشه‌ی اسلامی دانشگاه، تحت عنوان *نظری اجمالی بر عرصه‌ی حیات انسان از منظر توحید افعالی*، در کنار تدریس متون مصوّب، مطرح کرده‌ام و همواره مورد استقبال دانشجویان قرار داشت. لوح فشرده‌ی صوتی حاوی فایل‌های مزبور نیز پیوسته با اقبال فوق‌العاده‌ی علاقمندان معارف ناب معنوی اسلام مواجه بوده است. با قرار گرفتن این فایل‌ها در سایت اهل ولاء، کاربران سایت نیز همواره استقبال شایانی از آن نموده‌اند!

۱. از سال‌های پایانی دهه‌ی پنجاه تا اواخر دهه‌ی هشتاد.

۲. فایل صوتی این مباحث در بخش مباحث عرفانی قسمت سخنان استاد سایت اهل ولاء به آدرس اینترنتی www.anievela.com قابل دسترسی است.

کسانی که با مباحث مزبور آشنا شده‌اند آن را اکسیر امید و شادمانی و کیمیای کمال و کامیابی یافته و در زندگی خویش فوق‌العاده مؤثر دیده‌اند و نزد نگارنده بارها بدان اذعان نموده‌اند. آن استقبال و این تأثیر و اذعان، نگارنده را بر آن داشت که در صدد انتشار متن مکتوب این مباحث بپردازد.

پیاده‌سازی و تایپ فایل‌های صوتی را یکی از دوستان جلسات اهل ولاء، آقای حامد سلیمی، و ویرایش و تهیه‌ی پیوست‌های آن را یکی دیگر از دوستان جلسات مزبور، خانم دکتر هرا تاجریان، عهده‌دار شدند که از ایشان به‌خاطر زحمات سرشار از اخلاصشان سپاسگزاری می‌کنم. در پی زحمات دو دوست مزبور، آن را بار دیگر ویرایش و برای انتشار آماده کردم.

لازم به ذکر است که آنچه در کلاس‌های بیان شده و در این مجموعه ملاحظه می‌کنید، براساس سطح علمی دانشجویان بوده است؛ لذا در جهت تسهیل فهم مباحث برای آنان که با اصطلاحات و دقایق فلسفه و عرفان نظری چندان آشنا نبودند، تاحدودی از دقت علمی در طرح مطالب و به‌کارگیری اصطلاحات فلسفی و عرفانی صرف‌نظر شده است. نکته‌ی دیگر اینکه در پیاده‌سازی و تنظیم مباحث، سؤالات دانشجویان و پاسخ آنها نیز حفظ شد؛ زیرا به تبیین بهتر مباحث مطرح‌شده کمک می‌کرد.

برخی از آنچه در کلاس‌های یادشده مطرح ساخته‌ام، در سال‌های بعد در برخی از کتاب‌هایی که از این جانب منتشر شد به رشته‌ی تحریر درآمد؛ اما کامل بودن این مجموعه مستلزم ذکر آنها در این اثر بود؛ و لذا ممکن است

باتوجه به آن کتاب‌ها، برخی مطالب تکراری به نظر آید؛ اما گریزی از ذکر آنها نبود. البته در بسیاری از این گونه موارد، به اشاره‌ی اجمالی به مطلب بسنده شده و برای دستیابی به بیان تفصیلی آنها، خواننده به بخش حاوی آن مطالب در کتاب‌های مزبور ارجاع شده است. مراجعه به آن کتاب‌ها لازمه‌ی درک بهتر مباحث این اثر و آگاهی از استدلال‌های عقلی، قرآنی و روایی ناظر بر آنها می‌باشد.

باتوجه به نقش بنیادین و تعیین‌کننده‌ی بحث توحید افعالی در نگرش عارفان و سلوک اهل معرفت، طبیب عشق را می‌توان مدخلی بر کتاب **شراب طهور** که بیانگر سلوک در صراط مستقیم عرفان است، به‌شمار آورد. لذا به علاقمندان آشنایی با نگاه عارفان به زندگی و مشتاقان سلوک در طریق عرفان و بندگی توصیه می‌شود پیش از مطالعه‌ی آن کتاب، به خواندن و تأمل در مباحث این اثر بپردازند.

اجر معنوی این اثر را به روح پدر بزرگوارم، مرحوم حاج یدالله طبیب، تقدیم می‌کنم که با التزام به فرائض دینی و ارادت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و نیز اهتمام به همراه بردن فرزند خویش به مساجد و مجالس دینی، بذل آشنایی و علاقمندی به دین، قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را از دوران طفولیت در وجودم کاشت.

مهدی طبیب

فروردین ماه ۱۳۹۲

چنانکه در مقدمه ذکر شد، آنچه پیش رو دارید، مباحثی است که طی سالیان متمادی در کلاس‌های دانشگاهی مطرح کرده‌ام و خاطرات بسیار شیرینی از تحولات و تأثیرات مثبت آن در زندگی دانشجویان به یاد دارم. عزیزان بسیاری به یاری این آموزه‌ها از اضطراب‌ها و افسردگی‌ها رهایی یافتند و به شادی و نشاط و امید و انرژی عجیب و رنگ و بوی و زیبایی خاصی در زندگی خود دست یافتند. امید است با عنایات خداوند متعال چنین تأثیری را بر عزیزانی که هم‌اکنون با این مباحث آشنا می‌شوند، نیز برجای گذارد. تحقق این امر در گرو توجه به نکته‌ی زیر است.

یقین و باور قلبی شرط اثربخشی دانسته‌ها

چیزی که در واقعیت‌های زندگی و وجود ما تأثیر می‌گذارد، باورهای ماست؛ نه تصورات ذهنی یا تصدیق‌های عقلی. تفاوت تصور ذهنی و تصدیق عقلی با باور قلبی را می‌توان در تأثیر حقیقت معاد در زندگی انسان‌ها مشاهده کرد. بسیاری از ما می‌توانیم با برهان‌های عقلی قانع‌کننده حقیقت معاد را اثبات

کنیم و توضیح دهیم؛ اما عقیده به معاد و قیامت و حساب و کتاب و عدل الهی چقدر در واقعیت‌های زندگی ما و انتخاب‌های ما بر سر دوراهی‌ها نقش تعیین‌کننده دارد؟

اغلب درمی‌یابیم، علی‌رغم اطلاعات ذهنی و تصدیق‌های عقلی که نسبت به معاد داریم، این موضوع تأثیر چندانی در انتخاب‌های ما ندارد. از اینجا آشکار می‌شود که تصدیق‌های عقلی ما چندان تعیین‌کننده نیست؛ بلکه این باورهای قلبی ماست که در وجود ما تعیین‌کننده و تأثیرگذار است.

امام خمینی علیه السلام در درس‌های اخلاق خود^۱ فرق بین تصدیق عقلی و باور قلبی را در مثالی چنین نشان می‌دادند: همگان تصدیق می‌کنند که انسان تا زنده است قدرت حرکت و انجام کار دارد؛ وقتی مُرد هیچ کاری از او برنمی‌آید. بنابراین یک انسان زنده امکان زیان رساندن به دیگران را دارد؛ مثلاً می‌تواند کسی را بزند یا بگشاید یا پولش را بدزدد؛ اما از یک انسان مرده یا جنازه، هیچ فعلی صادر نمی‌شود و ضرر و زیانی هم به کسی نمی‌رسد. این امری است که هر عاقلی آن را تصدیق می‌کند. حال اگر از بسیاری از همین افراد عاقل بخواهند، شب تا صبح در اتاقی تاریک با یک جنازه تنها بمانند، وحشت‌زده امتناع می‌کنند؛ اما حاضرند یا بیست انسان زنده در یک اتاق تاریک به سر برند. درحالی که می‌دانند از انسان‌های زنده احتمال دارد ضرر و زیانی به آنها برسد؛ ولی از آن مرده یقیناً هیچ ضرری به ایشان نمی‌رسد. به همین ترتیب اگر از آنها

۱. امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۸۸

بخواهند، نیمه شب در یک قبرستان تنها قدم بزنند، می ترسند. وقتی می پرسند: چرا می ترسید؟ اینها که زیر خروارها خاک خوابیده اند، اگر زنده هم بودند نمی توانستند آسیبی برسانند؛ چه رسد به اینکه مرده اند! می گویند: درست است؛ اما دست خودمان چیست؟ می ترسیم. ولی برخلاف این افراد، یک گورکن به راحتی و بی هیچ ترس و هراس، می تواند شب هنگام تنها به قبرستان برود و بماند؛ یا یک مرد عسری بی اندکی خوف و بیم، نیمه شب به غسل خانه می رود؛ حتی ممکن است همان جا کنار جنازه ها بخوابد.

تفاوت این گورکن یا مرده شوی با دیگران در چیست؟ یکی به باور قلبی رسیده است و یقین دارد که جازه ترس و خطر ندارد؛ ولی دیگری هنوز به باور قلبی نرسیده است و فقط تصدیق عقلی دارد. تصدیق عقلی ترس از جنازه را برطرف نمی کند؛ آنچه تأثیرگذار است باور قلبی است.

راه دستیابی به باور قلبی

اکنون این پیرش اساسی مطرح می شود که چگونه می توان به باور قلبی رسید؟

انسان پس از اینکه مسأله ای را از نظر علمی و عقلی بررسی کرد و درست بودن آن موضوع برایش مسلم شد، اگر آن را بارها و بارها برای خود تکرار کند، به بیان دیگر به خود تلقین کند، آن مطلب از عقل به دل او سرایت می کند و به باور قلبی و امری یقینی تبدیل می شود. پس باور قلبی از راه تکرار یا تلقین به دست می آید. آن مرده شوی یا گورکن هم این گونه به باور قلبی رسیدند. چه بسا ابتدا که این شغل را برگزیدند، وقتی با جنازه ها تنها می شدند یا در

گورستان تنها می ماندند، می ترسیدند؛ اما در سالیان متمادی به قدری در گورستان و غسل خانه رفت و آمد کردند و با جنازه ها روبه رو شدند که همین تکرار، آن مفهوم عقلی را در آنها به باور قلبی تبدیل کرد.

در تکرار در اذکار یا عبادات نیز همین است؛ اینکه ذکر را باید تکرار کرد، یا نماز را در هر شبانه روز چند نوبت خواند یا برخی اذکار را در هر نماز چندین بار تکرار کرد، به همین دلیل است. حقایقی را که فرد در نماز یا ذکر بر زبان می آورد، از نظر عقلی قبلاً بررسی کرده و درستی آنها برای او ثابت شده است؛ مثلاً می داند که خداوند وجود دارد و بزرگ و منزّه است؛ اما می خواهد این مفهوم را به قلب منتقل کند؛ پس تکرار می کند و می گوید: سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله، ... و با تکرار این مفهوم را به دل خود تلقین می کند تا دل باور کند. باور قلبی این گونه ایجاد می شود. خدای متعال هم می فرماید: *وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ*^۱: آن قدر پروردگارت را عبادت کن تا به یقین برسی.

خواننده ی گرامی اگر می خواهید درهای بهشتی که این بحث می تواند در زندگی هر انسانی باز کند، به رویتان گشوده شود، باید سه گام بردارید. اثر حاضر در دو گام با شما همراه است و یاریتان می دهد. نخست اینکه تصوّر این بحث ها را در ذهن شما ایجاد می کند. دوم با استدلال های عقلی اثبات می کند

۱. سوره ی حجر، آیه ی ۹۹.

که این بحث‌ها درست است. گام سوم تکرار این بحث‌ها برای رسیدن به باور قلبی است که برعهده‌ی شما و هنر شماست. اگر درمقابل هر حادثه که در زندگیتان پیش می‌آید و هر اقدام که قصد انجام آن را دارید، مفاهیمی را که در قالب این مجموعه مطرح خواهد شد، برای خود تکرار کنید، آن مفاهیم به باور قلبی تبدیل می‌شوند و آثار بسیار شیرین آن را همیشه در زندگی خود شاهد خواهید بود.